

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۸/۲۳

صفحات: ۵۷-۸۴

گسترش روابط هند و اسرائیل: طرح پیرامونی یا استراتژی اتحاد

دکتر امیر ساجدی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه روابط بین‌الملل، ایران، تهران

چکیده

دو کشور هند و اسرائیل دارای برخی از خصوصیات مشترک مانند نظام پارلمانی و احزاب سیاسی میانه‌رو و تندرو هستند. اما با وجود این خصوصیات حکومت هند برای چهار دهه تمایلی برای ایجاد روابط کامل با اسرائیل نشان نمی‌داد و از فلسطین حمایت می‌کرد. اما تغییرات گسترده در اوایل دهه نود در صحنه بین‌الملل باعث گردید تا در رابطه هند و اسرائیل تغییری گسترده صورت گیرد به طوری که در سال ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک بین دو کشور ارتقاء یافت و در اندک مدتی همکاری‌های گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف بین دو کشور شکل گرفت ولی گسترش روابط به معنای یک استراتژی اتحاد نمی‌باشد، از این رو، این مقاله در پی واکاوی نیازهای دو کشور برای ادامه این روابط است.

کلید واژگان

نظام بین‌الملل، اقتصاد آزاد، تکنولوژی، تسلیحات نظامی، تروریسم.

مقدمه

دو کشور هند و اسرائیل در یک فاصله زمانی چند ماهه (به ترتیب آگوست ۱۹۴۷ و می ۱۹۴۸) به جامعه جهانی قدم نهادند. گرچه هر دوی این سرزمین ها زیر سلطه امپراطوری بریتانیا قرار داشتند و هر دو دارای سیستم های دموکراتیک پارلمانی برای اداره کردن کشور می باشند، ولی دو کشور نتوانستند تا چهار دهه روابط آشکار و عادی دیپلماتیکی برقرار نمایند. چرا که پیدایش دو کشور هند و اسرائیل بر اساس دو ایدئولوژی متفاوت (سکولاریستی و دینی) پا به عرصه جهانی گذاشتند. تفکرات و نظریات اکثر رهبران و مبارزان استقلال هند بر اساس سکولاریسم یعنی جدایی دین از سیاست شکل گرفته بود و شدت مخالف تاسیس کشور بر اساس دین و مذهب بودند. تجربه جدا شدن پاکستان از سرزمین هند که بر پایه نظریه دینی صورت گرفته بود همواره رهبران هند را از این مساله رنج می داد. وجود صد ها میلیون مسلمان که اقلیت قابل ملاحظه ی در کشور هند هستند، و همچنین حضور کارگران هندی در کشورهای عربی خاورمیانه و واردات نفت هند (۷۰٪) از کشورهای مسلمان عربی و غیر عربی خاورمیانه، باعث گردیده بود تا هند با احتیاط بیشتری در مورد ایجاد روابط با اسرائیل گام بردارد. بدین سبب تا چهار دهه از آغاز تاسیس اسرائیل رهبران هند تمایلی به ایجاد روابط کامل با این کشور نشان نمی دادند.

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد تغییرات زیادی را در روابط بین الملل ایجاد نمود. گرفتاریهای امنیتی مسکو ناشی از فروپاشی شوروی که منجر به کاهش قدرت روسیه در صحنه روابط بین الملل گشته بود به همراه مشکلات اقتصادی در داخل و خارج باعث گردید تا روسیه کمک های مالی و سیاسی و همچنین ارسال تسلیحات نظامی را به کشورهای همپیمان و دوست برای مدتی متوقف و یا کند نماید. شروع کنفرانس صلح اعراب و اسرائیل در مادرید و گرایش برخی از کشورهای عربی خاورمیانه به صلح با اسرائیل، نفوذ لابی یهودیان در کنگره آمریکا^۱، نیاز هند به تعاملات علمی و تکنولوژی پیشرفته، بهرمندی از همکاریهای دفاعی، خرید تسلیحات نظامی مدرن و پیچیده، همکاریهای اطلاعاتی - امنیتی برای مقابله با عملیات تروریستی بر ضد هند، کمک و همکاری در بخش اتمی و همچنین افزایش

^۱ - American Jewish Committee (AJC)

قدرت حزب هندوی بهارتیا جاناتا^۱ در مقابل حزب حاکم کنگره در سال ۱۹۹۲ همگی باعث گردید تا ناراسیما رائو^۲ رهبر حزب کنگره نه تنها با رفرم اقتصادی درهای اقتصادی کشور را به منظور جذب سرمایه خارجی به روی غرب باز نماید بلکه در رابطه با سیاست خارجی بین هند و اسرائیل به یک بازنگری دست زند. این بازنگری در اقتصاد و سیاست خارجی هند می توانست تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در زمینه های قدرت نظامی، امنیتی و اقتصادی به سود هند در منطقه جنوب آسیا و در سطح جهانی به وجود آورد. از طرف دیگر موقعیت ممتاز جغرافیایی، اقتصادی، جمعیتی، پیشرفت فضایی و نقش هند در بین کشورهای غیرمتعهد (برای تعدیل مواضع در مناقشه اعراب و اسرائیل) برای دولتمردان اسرائیل بسیار مهم بود. برای اسرائیل ارتباط گسترده با هند با اهدافی مانند به وجود آمدن یک اتحاد استراتژیکی بین دو کشور، گسترش ارتباط در پیرامون ناحیه خاورمیانه، تقویت چهره خود در سطح جهانی و در بین مسلمانان، گسترش روابط اقتصادی با قدرت اقتصادی نوظهور هند برای کسب منافع بیشتر، تبادلات اطلاعاتی و همکاری های تحقیقاتی فضایی، تقویت مبادلات فرهنگی بخصوص در بخش توریست و غیره صورت گرفت. ما در این مقاله بر آنیم تا اثبات نماییم که هدف از گسترش رابطه بین هند و اسرائیل بر اساس منافع ملی هند برای برطرف کردن بخشی از نیازهایش و برای اسرائیل، استفاده بردن از یک طرح پیرامونی بوده و آن طور که برخی نظریه پردازان اسرائیلی اظهار می دارند یک اتحاد استراتژی بین دو کشور به وجود نیامده است.

۱. مبانی نظری

الف. مفهوم استراتژی اتحاد و تعهد

استراتژی یا راهبرد از کلمه یونانی استراتوگوس، به مفهوم سرداری و سپهسالاری است. در یونان باستان در جنگ‌ها برای فریب دشمن از حيله های جنگی استفاده می نمودند که این نوع حيله ها و مانورها به استراتژم^۳ معرف بود. کلاوزویتس^۱ در کتاب خود تحت عنوان «در باب جنگ»، استراتژی را

^۱ - Baharatyia Janata Party

^۲ - Narasimha Rao

^۳ - Strategem

«هنر کاربرد نیروها برای دست یابی به اهداف جنگ» تعریف کرده است. استراتژی همچنین به معنای طرح یا الگوی است که هدف ها، سیاست ها و زنجیره های عملیاتی را در قالب یک کل بهم پیوسته ترکیب می کند. طرح یک استراتژی با توجه به امکانات و محدودیت های محیطی داخل و خارج برنامه ریزی می گردد تا قابل تحقق باشد. امروزه استراتژی نه تنها در مسائل نظامی بلکه در سایر حوزه ها مانند اقتصاد و قدرت ملی نیز کاربرد دارد. (یوسفی، ۱۳۸۸: ۵۱) اتحاد قراردادی است سری یا آشکار بین دو یا چند دولت که در صورت بروز تهدید یا جنگ، آنها متعهد به کمک های سیاسی، اقتصادی و یا نظامی به یکدیگر می شوند. اتحاد ها ممکن است کوتاه مدت یا بلند مدت، ساده یا پیچیده باشند. اتحاد ها ممکن است برای جلوگیری از جنگ و یا پیروزی در یک جنگ شکل گیرد. برای درک بهتر از اتحاد در روابط بین الملل گفته شده که اگر در جهان فقط یک نفر زندگی می کرد، مفهوم صلح به روشنی درک می شد ولی اگر در جهان دو نفر زندگی می کردند آنگاه رقابت و نزاع معنی می یافت و اگر سه نفر در دنیا زندگی می کردند آنگاه اتحاد معنی پیدا می کرد. پس اتحاد یک پدیده ای است که همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته تا جوامع و روابط بین الملل را تحت تاثیر خود قرار دهد. دولت ها به عنوان بازیگران اصلی در صحنه روابط بین الملل جهت دستیابی به اهداف خود استراتژی های مختلفی را بر می گزینند مانند استراتژی بیطرفی، استراتژی عدم تعهد، استراتژی انزوایی (این گونه از استراتژی ها دولت ها را و می دارد تا از قبول تعهدات نظامی سر باز زنند) و استراتژی اتحاد و تعهد. در اتخاذ استراتژی اتحاد که در سیاست خارجی به کار گرفته می شود باید متغیر های زیادی نظیر تهدیدات خارجی، نیازهای داخلی، میزان برخورداری از قدرت، شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور، فشارهای بین المللی و ساختار بین المللی را در نظر گرفت. برای ایجاد اتحاد بُعد مسافت شرط لازم محسوب نمی گردد. (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۸) رویکرد دولت ها به استراتژی اتحاد و ائتلاف می تواند به دلایل نظامی، امنیتی و یا اقتصادی باشد. در این نوع از استراتژی، دولت ها با اتحاد و ائتلاف خود در قبال یکدیگر متعهد می گردند و به عبارتی تعهداتی را نسبت به یکدیگر می پذیرند. این دولت ها بر این باورند که بدون پذیرفتن تعهدات بویژه تعهد نظامی از طرف کشور متحد قادر به مقابله با تهدید خارجی و یا در بر طرف کردن نیازهایی که در بر گیرنده منافع ملی آنهاست، نخواهند بود. با این دیدگاه تمایل سیاست خارجی یک کشور به

¹ - Clausewitz

طرف استراتژی اتحاد بیشتر با توجه به تهدیدات خارجی، مسائل امنیتی مشترک، ایدئولوژیکی و یا نیازهای اقتصادی، تکنولوژیکی و یا شرایط جغرافیایی و ژئوپولیتیکی سوق پیدا می کند. برای مثال گسترش و تهدیدات ایدئولوژی کمونیستی بر علیه کشورهای اروپای غربی که منجر به شروع جنگ سرد گردید باعث یک اتحاد نظامی بین اروپای غربی و آمریکا تحت عنوان ناتو شد (حتی بعد فاصله جغرافیایی در بین اعضای این اتحادیه نتوانست خللی در تأسیس آن به وجود آورد). و یا وجود منافع مشترک اقتصادی، امنیتی و ایدئولوژیکی بین برخی از کشورهای اروپایی سبب گردید تا اتحادیه اروپا تشکیل شود. (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۴۰-۲۴) بنابراین اساس دولت‌هایی که به این نوع اتحادها می‌پیوندند تنها بعد نظامی مد نظر نبوده و ابعاد دیگر که در برگیرنده منافع ملی است را در بر می‌گیرد که اگر به این اتحادها وارد نمی‌شدند امکان تحقق این منافع برای آنها میسر نمی‌گشت. می‌توان گفت که عمده دلیل متعهد شدن این کشورها به یکدیگر، افزایش قدرت نظامی، حفظ امنیت، تقویت اقتصادی و دیگر منافع ملی می‌باشد. (قوام، ۱۳۷۰: ۱۶۳-۶۴) از آنجایی که عوامل ایجاد اتحاد و ائتلاف متغیر و بر اساس نیاز زمانی می‌باشند، پس طبیعی است که با گذشت زمان برخی از تعهدات طرفین اجرا نگردد و اتحاد نیز از بین رود. عوامل متعددی می‌تواند باعث عدم اجرای تعهد گردد. رسیدن یکی از طرفین به اهداف خود، اختلاف در بین اعضا، تغییر وضع موجود جهانی و منطقه ای و یا تغییر دولت‌ها که دارای سیاست‌های متفاوتی با سلف خود دارند، همگی می‌تواند در برهم زدن و از بین بردن اتحادها و یا ائتلافها موثر واقع شوند.

ب. مفهوم طرح پیرامونی

قرار گرفتن یک کشور در میان کشورهای متخاصم امکان ایجاد روابط عادی بین کشور های متخاصم و کشور محصور شده را امکانپذیر نمی‌سازد. بناچار کشوری که در محاصره است، تلاش و کوشش زیادی برای برقراری رابطه با کشورهای خارج از منطقه می‌کند تا نیازهای خود را برطرف سازد. کشور اسرائیل با وسعت جغرافیای کوچک خود از بدو تأسیس در محاصره همسایگان بزرگ و کوچک عرب متخاصم واقع گردیده و از آن زمان تا به امروز جنگ‌های متعددی بین آنها صورت گرفته ولی هنوز صلحی پایدار بین اسرائیل و همسایگانش به وجود نیامده است. (ساجدی، ۱۳۸۴: ۴۹-۴۸) از همان آغاز

تاسیس کشور اسرائیل رهبران و سیاستمداران اسرائیلی تجربه و آگاهی زیادی از نگرانی اعراب و حتی کشورهای اسلامی غیر عربی در پدیدار شدن یک کشور غیر اسلامی در ناحیه خاورمیانه کسب نمودند (جنگ اول اعراب و اسرائیل). برای شناسایی و گسترش روابط با دیگر کشورها، استراتژیست‌های اسرائیلی مانند بن‌گورین (اولین نخست‌وزیر اسرائیل) در اوایل دهه پنجاه میلادی قرن بیستم به‌مراه دیگر سیاستمداران برجسته آن زمان جهت خروج از محاصره سرزمینی و ژئواستراتژیکی خود، طرح پیرامونی و یا حاشیه‌ای را مطرح ساختند. (موسسه الارض، ۱۳۶۳: ۱۳-۲۰۷) این استراتژیست‌های اسرائیلی اظهار داشتند از آنجایی که کشورشان بصورت جزیره‌ای در میان دریای مسلمانان عرب خاورمیانه قرار گرفته است، بناچار اسرائیل می‌بایستی از میان برخی از کشورهای خارج از حوزه دنیای عرب، دوستان و همپیمانانی پیدا نمایند. با این نظریه اسرائیل توانست یک استراتژی (غیر عربی) پیرامونی با همکاری اسرائیل، ایران و اتیوپی را در دهه پنجاه قرن بیستم میلادی شکل دهد (همان: ۳۵-۲۱۱) این استراتژی پیرامونی دو دهه بیشتر دوام نیاورد و با سقوط شاه و وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و تبدیل شدن ایران به مهم‌ترین دشمن اسرائیل، از بین رفت (رضوی، ۱۳۷۹: ۸۰-۱۱۵) از آن زمان به بعد استراتژیست‌های اسرائیلی محدوده طرح پیرامونی اسرائیل را از شرق تا شبه جزیره کره، از غرب تا تنگه جبل الطارق، از جنوب تا خلیج عدن و از شمال تا دریای سیاه گسترش دادند. (تقی‌پور، ۱۳۸۳: ۴۲۹)

۲. تاریخچه روابط هند و اسرائیل

دو سرزمین هند و اسرائیل توسط دولت استعماری بریتانیا (تا قبل استقلال و تاسیس) اداره می‌شدند و هر دو کشور با چند ماه فاصله زمانی (هند در آگوست ۱۹۴۷ و اسرائیل در می ۱۹۴۸) به جمع دیگر کشورهای مستقل جهان پیوستند. در دهه ۲۰ قرن بیستم رهبران هند مانند مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو مخالفت خود را با تاسیس یک کشور یهودی در سرزمین فلسطین اعلام نموده بودند. طرفداری از سکولاریسم و ناخشنودی از جدایی پاکستان از هند (به دلیل اختلافات دینی بین رهبران هندوها و مسلمانان پاکستان از سرزمین مادری در سال ۱۹۴۷ جدا شد) از جمله دلایلی بودند که رهبران هند مخالف تاسیس کشوری بر اساس ایدئولوژی دینی بودند. آنها بر این باور بودند که برای اداره کشور

سیستمی را باید به خدمت گرفت که منافع تمامی گروهها و فرقه ها را در بر گیرد و سیستمی که بر پایه یک ایدئولوژی خاص مذهبی قرار گیرد نمی تواند سعادت را برای تمامی اقوام به ارمغان آورد. از دید رهبران هند این چنین سیستمی فقط در یک نظام سکولار میتواند تحقق یابد. در سرزمین هند فرقه ها و گروههای مذهبی زیادی مانند هندو، مسلمان، سیک، مسیحی، بوداسی و غیره وجود دارد. رهبران هند آگاه بودند که براساس یک ایدئولوژی خاص در این کشور، هند نمی توانستند تمامی فرقه ها و گروههای موجود را راضی و یک همزیستی مسالمت آمیزی بین آنها به وجود آورند. این مساله با جدایی پاکستان از هند (به اجبار و با سیاست های استعماری دولت انگلستان) که صدها هزار نفر قربانی گرفت، در سال ۱۹۴۷ برای آنها اثبات گردیده بود. مهاتما گاندی که از دسیسه های دولت بریتانیا در مورد سرزمین های تحت استعمار انگلیس آگاهی کامل داشت، نمی توانست بپذیرد آنچه در شبه قاره هند اتفاق افتاد، در سرزمین فلسطین نیز به وقوع بی انجامد. بدین سبب رهبران هند همواره در سخنرانی های خود اظهار می نمودند که برای به وجود آمدن یک کشور یهودی در سرزمین فلسطین، کسب رضایت اکثریت ملت مسلمان فلسطین، لازم و ضروری است. (موسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی - علمی نداء، ۱۳۸۹: ۲۸۸) در سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل هیاتی متشکل از یازده نماینده بیطرف در حل مساله فلسطین از کشورهای مختلف (استرالیا، کانادا، چکوسلواکی، گواتمالا، هلند، سوئد، پرو، اورگوئه، هند، ایران و یوگسلاوی) را برای انتخاب راه حل قضیه فلسطینیان و یهودیان تعیین نمود. نمایندگان دولت های هند، ایران و یوگسلاوی بر خلاف طرح دیگر نمایندگان (طرح اکثریت)، طرحی معروف به طرح اقلیت را ارائه دادند که بر اساس آن در سرزمین فلسطین یک کشور فدرال با دو دولت عربی و یهودی با استقلال داخلی به وجود آید. (احمدی، ۱۳۶۹: ۲۴۰) طرح اقلیت در مقابل طرح اکثریت (دو کشور مستقل عربی و یهودی و اورشلیم زیر نظر قیمومیت سازمان ملل را پیشنهاد داده بود) مورد قبول مجمع عمومی سازمان ملل واقع نگردید. با این دیدگاه دولت هند در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ در مجمع عمومی سازمان ملل بر خلاف اکثریت اعضای مجمع رای منفی به قطعنامه تقسیم فلسطین داد.

(Neff: 2002, 242; Ovendale, 1999: 113-19)

پس از ترور مهاتما گاندی در سال ۱۹۵۰ میلادی و فشارهای داخلی (تندروهای هندو) و خارجی (غرب) موضع هند در قبال اسرائیل اندکی تغییر نمود. نخست وزیر هند، جواهر لعل نهرو، رژیم دولت

اسرائیل را برسمیت شناخت. البته برای اینکه از نارضایتی مسلمانان هند بکاهد او سطح نمایندگی بین دو کشور را در سطح کنسولی تعیین کرد و فقط اجازه تاسیس دفتر بازرگانی برای اتباع اسرائیل را در شهر بندری بمبئی صادر نمود که سه سال بعد این دفتر به کنسولگری تبدیل گردید. دولت هند در تمامی دهه پنجاه میلادی و بعد از آن همواره از تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی حمایت و سیاست های اسرائیل را در مورد تصرف سرزمینهای عربی طی جنگهای مختلف محکوم کرد. تشکیل سازمان کشورهای غیر متعهد با رهبرانی چون نهریو از هند، جمال عبدالناصر از مصر، احمد سوکارنو از اندونزی و مارشال تیتو از یوگسلاوی نه تنها تغییری در سیاست خارجی هند در برابر اسرائیل به وجود نیآورد بلکه روابط دوستانه نهریو با ناصر خود مانعی برای تغییر محسوب می گشت. در سطح روابط هند و اسرائیل تا اواخر دهه هشتاد میلادی تغییر و ارتقائی صورت نگرفت و روابط در همان سطح کنسولی باقی ماند. برخی از دلایل عدم ارتقاء سطح روابط بین هند و اسرائیل تا دهه نود میلادی عبارتند از ۱- در هند اقلیت قابل ملاحظه ای از مسلمانان وجود دارند که همیشه طرفدار حزب گنگره هند هستند و این حزب جهت به دست آوردن آراء آنها همواره در سیاست نزدیکی با اسرائیل این ملاحظه را در نظر دارد. این حزب تا پایان دهه هشتاد میلادی بجز یک مقطع کوتاه همواره با تیکه بر آراء مسلمانان هند در مسند حکومت بود ۲- روابط دوستانه هند با کشورهای عربی خاورمیانه ۳- وجود صدها هزار کارگر هندی در کشورهای نفت خیز عرب خاورمیانه ۳- واردات ۷۰٪ نفت هند از کشورهای مسلمان خاورمیانه.

۳. عوامل گسترش روابط هند و اسرائیل

تضعیف قدرت مسکو در سطح بین المللی در اوایل دهه نود میلادی و افزایش قدرت آمریکا، تنش بین هند و پاکستان در منطقه کشمیر، نزدیکی اسرائیل به آمریکا و نفوذ لابی یهودیان آمریکا در کنگره، حملات تروریستی علیه هند و نیازهای تکنولوژی، اقتصادی، نظامی و امنیتی کشور هندوستان همگی از عواملی هستند که موجبات گسترش روابط هند و اسرائیل را از سال ۱۹۹۲ فراهم آورند. گسترش روابط دیپلماتیکی بین دو کشور باعث گردید تا همکاریهای گسترده ای در زمینه های نظامی، امنیتی، تجاری و تکنولوژی بین تل آویو و دهلی نو به وجود آید. برای درک بهتر از چگونگی گسترش روابط بین دو کشور هند و اسرائیل ما بطور مختصر برخی از عوامل موثر در گستردگی روابط بین دو کشور را مورد

الف. روابط دهلی نو و مسکو

کشور هند گرچه در سازمان غیر متعهد ها یکی از اعضای برجسته آن محسوب می گردد ولی تا پایان دهه ۱۹۹۰ همواره روابط نزدیکی با شوروی داشت و این نزدیکی را بسیار مهم بر می شمارد. عوامل متعددی باعث گردید که دولت نهر و دولت های بعد از آن سیاست دوستی و نزدیکی با شوروی را در پیش گیرند. در بین عوامل مختلف، همجواری جغرافیایی هند با شوروی مهمترین عامل محسوب می شد. تا قبل از تصرف بخش غربی و شمال غربی کشمیر توسط پاکستان، هند و شوروی تنها با یک باریکه ای از قلمرو افغانستان از یکدیگر جدا می شدند. روابط نزدیک نهر و رهبران شوروی و شرکت او در دهمین سالگرد انقلاب این کشور در سال ۱۹۲۷ که تحت تاثیر مسکو و جریانات انقلاب بلشویک قرار گرفته بود نیز از دلایل دیگری است که باعث گردیده بود، علیرغم ورود هند در جنبش عدم تعهد، سیاست هند بیشتر بطرف شوروی متمایل گردد و نه به سوی آمریکا. نزدیکی بیشتر با رهبر بلوک شرق در یک جهان دو قطبی، باعث گردیده بود تا بیشترین تسلیحات نظامی هند از شوروی تامین گردد و گروههای چپ گرای در هند از قدرت قابل ملاحظه ای برخوردار گردند. روابط دوستانه هند با شوروی باعث گردید نه تنها خرید جنگنده های روسی سوخو ۷ مورد قبول شوروی قرار گیرد بلکه هند توانست موتناژ جنگنده میگ ۲۱ را از روسیه کسب نماید. (آرنت، ۱۳۷۹: ۳۰۵) در تمامی جنگ های هند با پاکستان و چین، دولت شوروی علاوه بر ارسال تسلیحات نظامی مورد نیاز هند، حمایت های خود را از هند بصورت علنی اعلام می داشت. سیاست خارجی هند تا پایان دهه هشتاد میلادی علاوه بر نزدیکی با شوروی، دارای ویژگی های دیگری مانند مخالفت با استعمار و امپریالیسم، مخالفت با تبعیض نژادی، پیشبرد صلح بین المللی، عدم تعهد، عدم تجاوز به قلمرو دیگر کشورها، عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و خواستار همزیستی مسالمت آمیز بود. (ملکوته و رائو، ۱۳۶۸: ۵۵-۳۴۷)

شکست عراق از آمریکا در سال ۱۹۹۰ و عدم حمایت شوروی از عراق باعث ناامیدی دوستان شوروی شد و همزمانی فروپاشی شوروی و از بین رفتن بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ نه تنها پایان جهان دو قطبی را به همراه داشت بلکه تحول عظیمی را در روابط بین الملل و بخصوص در بین اکثر کشورهای همپیمان و

نزدیک شوروی سابق (روسیه) از جمله هند به وجود آورد. اعلام جهان تک قطبی از سوی آمریکا بعد از فروپاشی شوروی و در حاشیه قرار گرفتن قدرتهای دیگر مانند اروپا و چین از مرکز ثقل روابط بین الملل در یک دوره چند ساله، دوری هند از سرزمین روسیه به دلیل دوری جغرافیایی (فروپاشی شوروی باعث تجزیه این سرزمین و پدیدار شدن کشورهای متعدد از آن شد و فاصله جغرافیایی بین روسیه و هند افزایش یافت)، تضعیف روسیه در سطح جهانی، عدم تامین تسلیحات نظامی هند از سوی روسیه (بعثت مشکلات اقتصادی و سیاسی روسیه در دهه نود میلادی) و نیاز هند به تسلیحات مدرن و تکنولوژی بالا که دیگر روسیه قادر به ارائه نبود، در گسترش رابطه هند و اسرائیل تاثیر گذار بودند.

ب. تاثیر تنش هند با پاکستان و چین بر رابطه این کشور با اسرائیل

از زمان استقلال هند تا به امروز این کشور درگیر جنگهای مرزی و تنشهای متعددی با دو همسایه خود یعنی پاکستان و چین بوده است. در سال ۱۹۴۷ پاکستان از سرزمین هند جدا گشت و مشکلات زیادی بین دو کشور به وجود آمد که مهمترین آن منطقه مهم استراتژیک مورد مناقشه، کشمیر می باشد. ادعای مالکیت پاکستان و هند بر این ناحیه سبب بروز چند جنگ بین دو کشور در سالهای ۱۹۴۷، ۱۹۶۵ و ۱۹۹۹ (جنگ کارگیل) شده و تا بحال هیچ یک از طرف ها و راه حل ها ارائه شده در خصوص منطقه کشمیر که به صلح دائمی بین دو کشور منجر گردد، مورد پذیرش دو طرف واقع نگردیده است. (ساجدی، ۱۳۸۴: ۴۴-۱۳۸) تنش در روابط بین دو کشور تنها مربوط به کشمیر نبوده و مسائلی مانند ادعاهای مرزی از سوی هر دو طرف در نواحی سیاچن^۲ و براستاک^۳ و سرکریک^۴ استقلال بنگلادش در سال ۱۹۷۱ و همچنین مساله تروریسم نیز در تیرگی بین دو همسایه در شبه قاره هند تاثیرات زیادی از خود بر جای گذارده اند. رقابت و تهدیدات هسته ای بین دو کشور از سال ۱۹۷۴ (آزمایشات سلاح های هسته ای هند تحت نام پوکران یک و پوکران دو و آزمایش های سلاح های

^۱ - Kargil War

^۲ - Siachen

^۳ - Brasstacks

^۴ - Sir Creek

هسته‌ای پاکستان با نام کرانا و یوم تکبیر یک و دو) تا به امروز نه تنها بر تیرگی روابط بین هند و پاکستان افزوده بلکه موجبات نگرانی قدرتهای اتمی و جامعه جهانی را فراهم آورده به طوری که تحریم‌هایی بر علیه دو کشور از طرف قدرتهای بزرگی چون آمریکا تصویب و به اجرا گذاشته شد. روابط هند و چین از اوایل دهه شصت میلادی قرن بیستم دچار تنش‌های فراوانی شد. درگیری‌های مرزی بین دو کشور گسترش یافت و در سال ۱۹۶۲ با حمله چین به هند، جنگ بین دو کشور شعله ور گردید. از دست دادن بخشی از سرزمین هند (آکسای چین) در این جنگ عاملی برای درگیری‌های مرزی بین دو کشور در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۷ و حمایت هند از دالای لاما (رهبر معنوی تبت که خواهان آزادی تبت از سرزمین چین است) محسوب می‌شود. (۱: ۲۰۱۲, Panda) گرچه دو کشور از آغاز دهه نود میلادی با سفر رئیس‌جمهور چین به هند و گسترش روابط دیپلماتیکی و بازرگانی سعی در عادی‌سازی روابط خود نمودند ولی هنوز مسائلی مانند عدم حل اختلاف مرزی بین دو کشور، روابط نزدیک و استراتژیکی چین با پاکستان و کمک‌های نظامی چین به پاکستان، همواره نگرانی‌هایی را برای هند به وجود آورده است. (فرزین نیا، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۰۳) برای کاهش نگرانی‌ها از تنش‌های موجود بین هند و دو کشور پاکستان و چین، دولتمردان هند سعی نموده‌اند با گسترش روابط با اسرائیل تا حدودی از این نگرانی‌ها بکاهند. دریافت تسلیحات پیشرفته نظامی، همکاری‌های هسته‌ای و بهره‌بردن از تکنولوژی پیشرفته اسرائیل و نزدیک شدن به آمریکا از طریق لابی یهودیان برای کاهش کمک‌های نظامی آمریکا به پاکستان و برداشتن تحریم‌های آمریکایی در خصوص مسائل هسته‌ای هند، همگی می‌توانست در کاستن از نگرانی‌های هند در مقابل دو همسایه اتمی خود موثر واقع شود.

پ. فروپاشی نظام دو قطبی و تاثیر آن بر سیاست خارجی هند

رفتار هر یک از بازیگران در صحنه جهانی تابع تحولات نظام بین‌الملل و واکنش دیگر بازیگران بین‌المللی است. به عبارتی تغییر در تحولات بین‌المللی سبب تغییر رفتار کشورها در صحنه جهانی خواهد شد. در دوران نظام دو قطبی دو قدرت شوروی و آمریکا مرکز ثقل بین‌الملل و تاثیرگذار در بسیاری از معادلات جهانی بودند. فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم میلادی نه تنها این قدرت را از مرکز ثقل بین‌الملل کنار زد بلکه فرصتی داد تا ایالات متحده خود را به‌عنوان تنها ابر

قدرت و تاثیر گذار در معادلات جهانی مطرح کند. رئیس جمهور آمریکا، جرج بوش همراه با نئومحافظه کاران با مطرح کردن نظام نوین جهانی یا جهان تک قطبی، برای چند سالی توانستند قدرت‌هایی مانند روسیه، اتحادیه اروپا و چین را در حاشیه صحنه بین‌الملل قرار دهد و آمریکا را در مرکز ثقل جهانی قرار دهند. با این فرصت به دست آمده نئومحافظه کاران آمریکایی با به کارگیری نظریه واقع‌گرایی هابز^۱ بر این باور شدند که پس جنگ سرد، تنها آمریکا است که توان مداخله در مسائل بین‌المللی جهان و رهبری آن را دارد. (ساجدی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) رئیس جمهور آمریکا (بوش) معتقد بود که در این نظام نوین جهانی مقابله با تهدیدات روبه گسترش تندروهای مذهبی، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و فعالیت‌های تروریستی و ایجاد صلح جهانی تنها در توان ایالات متحده آمریکا می‌توان جستجو کرد. (Sajedi, 2006: 192)

فروپاشی شوروی و انتقال سیستم بین‌المللی از سیستم دو قطبی به سیستم تک قطبی باعث گردید تا دولتمردان هند با توجه به تغییرات پدید آمده در صحنه جهانی، گرایش سیاست خارجی هند را برای ارتقاء امنیت ملی این کشور تغییر دهند. حذف قدرت شوروی و کاسته شدن حمایت‌های سیاسی و نظامی روسیه از هند می‌توانست تبعات مختلفی را برای امنیت ملی هند به وجود آورد. چرا که دشمنان هند دیگر هیچ نگرانی در مورد تهدید نظامی از سوی یک ابر قدرت برای دفاع از کشور هند را نداشتند. هندی که در چهار دهه گذشته عمده ترین تسلیحات نظامی را از شوروی دریافت می نمود، حال می‌بایستی برای دریافت تسلیحات نظامی مدرن بدنبال صادرکنندگان تسلیحات پیشرفته از کشورهای دیگر باشد. از آنجایی که آمریکا در این زمان دارای روابط نزدیکی با پاکستان می بود و تسلیحات نظامی پاکستان عمدتاً از ایالات متحده تامین می گردید و هند هنوز مورد تحریم تسلیحاتی کنگره قرار داشت، دولتمردان هند می بایست اولاً بدنبال کشوری باشند که دارای تولیدات تسلیحات نظامی و امنیتی پیشرفته ای باشد و ثانياً رابطه بسیار نزدیکی را با آمریکا دارا باشد تا هند را به ایالات متحده نزدیک گرداند. بهترین گزینه برای هند در این برهه از زمان، کشور اسرائیل بود هرچند که این رابطه می توانست مشکلاتی نه چندان بزرگ مانند اعتراض اقلیت مسلمانان هند و کشورهای عربی را به وجود

^۱ - Hobs

ت. تاثیر لابی اسرائیل در گسترش روابط هند و آمریکا

هند از آغاز استقلال همان گونه که ذکر گردید دارای مشکلات عرضی و مرزی با دو کشور پاکستان و چین بوده و مرزهای خود را همواره مورد تهدید این کشورها می بیند. نتیجه جنگ‌های هند و پاکستان، و هند و چین منجر به از دست رفتن بخشی‌هایی از سرزمین هند شد. این جنگ‌ها به روشنی نشان داد که هند تا مدت‌ها به تنهایی نمی‌تواند بر علیه تهدیدات همسایگان قدرتمندی چون چین فایز آید. بر این اساس دولتمردان هند سعی نمودند تا با نزدیک شدن به شوروی در دوران جنگ سرد از این تهدیدات بکاهد. فروپاشی شوروی و تغییر موازنه قدرت بین هند و پاکستان و فزونی گرفتن قدرت چین، سیاستمداران هندی را متقاعد کرد برای رفع تهدیدات و ایجاد تعادل قدرت با همسایگان خود می‌بایستی روابط دهلی نو و واشنگتن را هر چه سریعتر گسترش دهند. دولتمردان هند بخوبی از نفوذ لابی مجامع یهودی در کنگره آمریکا مطلع و آگاهی داشته و نفوذ لابی اسرائیل را یک عامل موثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا بر می‌شمارند. دولتمردان هند به این باور رسیده بودند که با استفاده از نفوذ لابی پر قدرت یهودیان در کنگره و دولت آمریکا، این امکان برای هند فراهم می‌آمد تا از طریق ایجاد روابط کامل دیپلماتیکی با اسرائیل، دیدگاه نمایندگان و دولتمردان ایالات متحده را در مورد مناقشه هند و پاکستان بر سر مساله کشمیر و مساله هسته‌ای هند، بنفع کشور هند تغییر یابد و یا حداقل آمریکا بی‌طرفی را نسبت مناقشه هند و پاکستان و مساله هسته‌ای هند اختیار کند.

گسترش روابط هند با اسرائیل و نفوذ لابی پر قدرت یهودیان آمریکا، سرانجام سیاستمداران کنگره ایالات متحده را متقاعد نمود که در برابر مساله کشمیر سیاست خارجی آمریکا تمایل به وضعیت موجود را پیشه نماید و برای جلوگیری از قدرت گرفتن هرچه بیشتر چین و ایجاد توازن قدرت در آسیا، روابط نزدیکی را ایالات متحده با کشور هند برقرار سازد. در این راستا دولت آمریکا می‌بایست تحریم‌هایی را که بر علیه هند در مورد برنامه اتمی این کشور وضع کرده بود را کاهش و یا لغو نماید. در سال ۲۰۰۸ دولت آمریکا توافقاتی را با دولت هند در مورد برنامه اتمی به امضاء رساند. ایالات متحده بر طبق بند ۱۲۳ و ماده ۱۳۵۴ سازمان انرژی اتمی، توافق نمود تا بخشی از مواد اتمی که در مصارف غیر نظامی

بکارگرفته می شود را به هند عرضه کند. (Panda, 2012: 110) دیدار رئیس جمهور آمریکا، باراک اوباما، از هند در ۶ نوامبر ۲۰۱۱ و حمایت ضمنی از برنامه اتمی هند و تشویق عضویت هند به سازمان عدم تکثیر سلاحهای اتمی و همچنین عدم اعتراض ایالات متحده به اسرائیل از فروش و ارسال برخی از تجهیزات پیشرفته نظامی ساخت مشترک دو کشور آمریکا و اسرائیل به کشور هند را باید در راستای نزدیکی هند به اسرائیل و حمایت لابی یهودیان آمریکا از سیاستهای هند ارزیابی کرد.

(Sajjad, Op.Cit.)

ث. همکاری های نظامی و امنیتی هند و اسرائیل

ایجاد روابط دیپلماتیکی کامل هند با اسرائیل، این فرصت را برای هر دو کشور به وجود آورد تا با استفاده از پتانسیل های موجود بین دو کشور در زمینه های مختلف (توان فنی، علوم کامپیوتر، هوانوردی، فناوری دریایی، فناوری موشک و راکت، الکترونیک، تجهیزات ارتباطی، تکنولوژی، کشاورزی و غیره) به همکاری های نظامی و امنیتی بین دو کشور شتاب بیشتری دهد. دهلی نو و تل آویو خیلی زود به این باور رسیدند که از طریق همکاری های سودمند نظامی و امنیتی بین دو کشور می توانند مواضع نظامی و امنیتی خود را تقویت و نظارت امنیتی بیشتری نسبت به تهدیدات همسایگان شان داشته باشند. همکاری های دو کشور تنها در بخش خرید تسلیحات نظامی خلاصه نمی شد و حوزه های تحقیقاتی مختلف، تولید محصولات نظامی مشترک و همکاری های اطلاعاتی را نیز شامل می گیرد. گرچه دریافت تسلیحات نظامی از سوی اسرائیل به هند در ابعاد کم در طول جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۶۱ و جنگ هند با چین در سال ۱۹۶۲ صورت گرفته بود ولی فروپاشی شوروی که با گسترش قدرت چین در آسیای جنوبی و تهدیدات تروریستی از طرف گروه های تندرو مسلمان همراه گردیده بود، تاثیر زیادی در سرعت بخشیدن به همکاری های نظامی و امنیتی بین دو کشور هند و اسرائیل برجای گذاشت. دیدار رئیس جمهور اسرائیل ایزر وایزمن^۱ از هند در سال ۱۹۹۷ و مذاکرات مفصل با رئیس جمهور شانکر

^۱ - Ezer Weizman

دایل شارما^۱ و نخست وزیر اچ. دتو گاودا^۲ نشان داد که پتانسیل های زیادی برای همکاری بین دو کشور در زمینه های نانو تکنولوژی، بایو تکنولوژی، انرژی های جایگزین، فضا و مدیریت آب وجود دارد. حتی در دیدار قبل یک هفته ای (سال ۱۹۹۵) فرمانده نیروی هوایی اسرائیل، جنرال هرتزل باندینگر^۳ از هند توافق گردیده بود که در قبال دسترسی هند به تجهیزات هوایی مدرن و آموزش تعدادی از پرسنل نیروی هوایی خود توسط نیروی هوایی اسرائیل، دولت اسرائیل حق استفاده از پایگاه هوایی جود پور^۴ و یا بوژ^۵ در هند برای سوختگیری و نمایش هوایی را کسب نماید. (Singh, 1995: 13) در سال ۱۹۹۶ هند توانست تعداد ۳۲ فروند ماشین تحقیقاتی هوایی بدون سرنشین، سنسورهای الکترونیکی پیشرفته قابل بکارگیری در مناطق مرزی هند و تجهیزات نظارتی برای جنگ های هوایی را از اسرائیل خریداری کند. همچنین در دیدار، وایزمن با نخست وزیر هند در سال ۱۹۹۷ مذاکراتی در خصوص معامله تسلیحاتی صورت گرفت. در این مذاکرات اسرائیل توافق نمود تا موشک های زمین به هوای باراک ۱ را به هند بفروشد. این موشک ها قادر به دفع حملات موشکی بودند که از سطح دریا شلیک می شدند. موشک های باراک ۱ از این منظر برای هند مهم بودند که می توانستند با موشک های لاک هید پی^۶ و موشک های هارپون^۷ که پاکستان اخیراً از آمریکا دریافت کرده بود مقابله نماید. (Wikipedia, 2013) گستردگی رابطه بین دهلی نو و تل آویو باعث گردید تا بخش های دیگر همکاری در زمینه تامین تجهیزات نظامی، تبادلات اطلاعاتی و تحقیقات دفاعی مشترک ایجاد گردد. خرید وسایل و تجهیزات مدرن و پیشرفته هند از اسرائیل مانند موشک های زمین به هوا، رادارهای شناسایی و تجسسی مربوط به مسائل جنگی، قایق های پر سرعت، سنسورهای پیچیده، بمب های هدایت شونده لیزری، پهبادهای

¹ - Shankar Dayal Sharma

² -H. Deve Gowada

³ - Herzl Bondinger

⁴ - Jodpur

⁵ - Bhuj

⁶ - Lockheed P-3 Orion maritime Surveillance aircraft

⁷ - Harpoon Sea-skimming

بدون سرنشین، سیستم های ضد موشک و ارتقاء جنگنده های میگ روسی (که هند از روسیه خریداری کرده بود) بخشی از همکاری های بین دو کشور اسرائیل و هند را تشکیل می دهند. در میان این همکاری ها، تعاملات تحقیقاتی و همکاری در زمینه های دفاع موشکی بین دو کشور قابل تامل بیشتری است. دو کشور در این زمینه توافق کردند تا ساخت موشک های زمین به هوا و همچنین موشک های دور برد را با نام باراک بصورت مشترک انجام دهند. تحقیقات فضایی و موشکی رژیم اسرائیل که همواره به دلیل فضای محدود جغرافیایی با محدودیت و دشواری مواجه بوده، پس از برقراری روابط گسترده نظامی با هند و کسب فضای مناسب و مورد نیاز، تاثیر محدودیت جغرافیایی اسرائیل را در تحقیقات فضایی تا حدودی بی اثر نموده است. (ملازهی، ۱۳۹۲: ۱۴۶) دولت های مختلف هند از سال ۱۹۹۲ تا به امروز نشان دادند که علاقه زیادی به برخی از تجهیزات نظامی و امنیتی اسرائیلی مانند هواپیماهای سبک، هواپیماهای بدون سرنشین، موشک های بالستیک، سیستم های هشدار دهنده و تجهیزات جاسوسی پیشرفته دارند. در سال ۲۰۰۹ تجارت ادوات نظامی بین دو کشور بالغ بر ۹ میلیارد دلار بود. امروزه بزرگترین خریدار تجهیزات دفاعی از بازار اسرائیل کشور هند است که تقریباً خرید نیمی از تجهیزات دفاعی بازار اسرائیل را بخود اختصاص می دهد. گسترش روابط نظامی بین دو کشور تنها در خرید تسلیحات نظامی و دفاعی محدود نشده بلکه دو کشور در بخش های آموزش های نظامی و پروژه های مشترک نظامی و تحقیقات فضایی نیز همکاری دارند. نزدیکی هندوستان به اسرائیل به مثابه پنجره ای برای هند بود تا از طریق این پنجره هند به آمریکا بیشتر نزدیک شود. هندی که تا دیروز از دسترسی به تجهیزات پیشرفته نظامی و دفاعی آمریکا محروم بود، حال می توانست تقاضای دریافت برخی از تجهیزات مدرن دفاعی را نیز از ایالات متحده داشته باشد.

ج. جایگاه عامل تکنولوژی در روابط هند و اسرائیل

تکنولوژی به معنای دانش است که در بخش های مختلفی مانند تسلیحات نظامی، کشاورزی، صنعت، درجه مهارت فنی مردم، وسایل تولید و غیره بکار گرفته می شود. تکنولوژی پیشرفته در امور تخصصی به منظور پیشرفت بیشتر در انجام کارها بکار گرفته می شود که حاصل آن اثر گذاری در کل ساختار کشور است. بکار گیری تکنولوژی مدرن در وسایل جنگی و ارتباطی و تاثیر آن در صنایع سنگین

و نیمه سنگین و همچنین در بخش کشاورزی یک عامل ضروری برای بالا بردن قدرت ملی کشور محسوب می‌شود. (عامری، ۱۳۷۰: ۲۳۸) تاثیر تکنولوژی‌های پیشرفته در حوزه‌های ارتباطات و افزایش دقت عمل تسلیحات کشور اسرائیل در نگاه سیاستمداران هندی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. در دهه نود دولت هند به این باور رسید که پیشرفت‌های کیفی در تکنولوژی در کسب، پردازش و توزیع اطلاعات به حدی است که ماهیت فرماندهی نظامی و جنگ را متحول می‌سازد. اسرائیل به دلیل زیر ساخت تکنولوژی پیشرفته و آموزش‌های علمی و فنی و همچنین همکاری‌های مشترک با موسسات تحقیقاتی ایالات متحده آمریکا و کسب تجربه در این گونه زمینه‌ها، قادر بود تا از طریق گسترش ارتباط و همکاری‌های موثر با کشور هند در زمینه‌های نظامی و غیر نظامی کشور هندوستان تحولی چشمگیر به وجود آورد. دولت ناراسیما رائو با این توجیه که هر کشوری که دارای تکنولوژی پیشرفته در بخش‌هایی مانند صنایع نظامی، وسایل تولید و کشاورزی باشد، در صحنه جهانی از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود، کنگره هند را متقاعد کرد که می‌بایست با شناسایی کامل اسرائیل و همکاری‌های موثر در بخش‌های مختلف با آن کشور، جایگاه هند را در صحنه جهانی ارتقاء بخشند. روابط و همکاری‌های تکنولوژیکی بین دو کشور هند و اسرائیل در اوایل دهه نود سرعت زیادی یافت بطوریکه بیش از ۷۳ توافقنامه همکاری تکنولوژیکی بین شرکت‌های هندی و اسرائیلی به ثبت رسید. (مروری بر روابط رژیم صهیونیستی، ۱۳۸۹: ۲۹۵)

سازمان تحقیق و تحلیل هند^۱ تعدادی از پرسنل خود را برای آموزش در بخش‌های فنی به اسرائیل اعزام نمود. سازمان تحقیق و توسعه دفاعی هند در گزارش خود اعلام نمود همکاری هند با اسرائیل در زمینه‌های مختلف مانند علم هوانوردی، تسلیحات جنگی، تجهیزات الکترونیکی، استتار و وسایل جنگی، فناوری دریایی، موشک، الکترونیک، کامپیوتر، رباتیک می‌تواند دفاعی هند را بهبود بخشد. موسسات تحقیقاتی دیگر هند نیز همکاری با اسرائیل در زمینه‌های دیگر مانند زمین‌شناسی، علوم طبیعی (شامل کشاورزی در مناطق مرتفع، فیزیولوژی مناطق مرتفع و بیابانی، غذا)، پیش‌بینی و کنترل تغییرات ناگهانی هوا، مطالعات کار، درمان هسته‌ای، تحلیل سیستم، سیستم‌های آموزشی و اطلاعاتی را برای پیشرفت کشور هند مفید و موثر دانستند. دو کشور هند و اسرائیل پس از مذاکره و

^۱ - Research and Analysis Wing

بررسی خواستار انعقاد یک قرارداد دو جانبه در مسائل اطلاعات تکنولوژی، حوزه تحقیقاتی، توسعه و تولید محصولات کشاورزی شدند. همکاری های مشترک فنی دو کشور برای تولید هواپیما های سبک در سال ۱۹۹۵ آغاز گشت و سرانجام در سال ۱۹۹۸ با انجام اولین پرواز آزمایشی به موفقیت رسید و در سال ۲۰۰۲ با تولید انبوه از این نوع هواپیما در نیروی هوایی هند مورد استفاده قرار گرفت. در مقابل اسرائیل نیز از تکنولوژی و توانایی بالای هندوستان در زمینه فضایی توانست بهره های لازم را کسب نماید. در سپتامبر ۲۰۰۷ اسرائیل با استفاده از امکانات فضایی هند، یک ماهواره ۳۰۰ کیلو گرمی را به فضا پرتاب نمود. اسرائیل همچنان موفق گردید یک ماهواره دیگر که از تکنولوژی بالایی برخوردار بود بتوسط یک راکت هندی به فضا پرتاب کند. (ثقفی عامری، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۱: Koshiy, 2008)

ج. روابط اقتصادی- تجاری هند و اسرائیل

دولت ها با استفاده از فرصت ها، برای برقراری امنیت و تامین احتیاجات اجتماعی مناسب در جهت کاهش فقر و توسعه اقتصادی اقدامات لازم را انجام می دهند. تحولات جهانی که همراه با آزادسازی بیشتر سیاست های اقتصادی بویژه تجارت و سرمایه گذاری، تحولات فنی در فناوری اطلاعات و ارتباطات، کاهش هزینه حمل و نقل و بازارهای رشد یابنده اند، نه تنها مشارکت در اقتصاد جهانی را سودمند بلکه آن را اجتناب ناپذیر نموده است. (یوسفی، پیشین: ۴۵) باز شدن درهای اقتصاد هند در اواخر دهه هشتاد میلادی و متاثر شدن از قدرتهای اقتصادی بهمراه تغییرات مهمی که مان مهان سینگ وزیر اقتصاد هند از سال ۱۹۹۱ در بخش تجاری این کشور آغاز نمود، سیاست خارجی هند را بیشتر به طرف کشورهایی که از اقتصاد آزاد و پیشرفته برخوردار هستند، متمایل کرد تا با بهره مندی از پتانسیل های موجود در آنها موقعیت اقتصادی هند را در داخل و خارج ارتقاء بخشد. هند از آغاز استقلال تا چهار دهه بعد از آن روابط اقتصادی خود را با کلیه کشورهای خاورمیانه به استثنای اسرائیل (به دلیل نداشتن روابط دیپلماتیک کامل) گسترش و به مبادلات تجاری با آنها پرداخت. وجود نیروی کار انسانی متخصص و غیر متخصص فراوان هندی در کشورهای خلیج فارس، یک منبع مهم ارز آوری برای دولت هند محسوب می شود. در اوایل دهه نود میلادی عوامل متعددی پدید آمد که تاثیرات نامطلوبی را در اقتصاد هند بر جای گذاشت از جمله بحران کویت که منجر به بیکاری تعداد زیادی از

کارگران هندی در منطقه خاورمیانه و نتیجتاً باعث کاهش درآمد ارزی دولت هند شد، بالا رفتن قیمت نفت و فروپاشی بزرگترین شریک تجاری هند (شوروی) همگی اقتصاد هند را در این دوران با بحرانی جدی مواجه کرده بود. این مشکلات به همراه تغییر دیدگاه رهبران سیاسی هند در سیاست خارجی هند (بر اثر به وجود آمدن تغییرات در صحنه جهانی، بخصوص در روابط اسرائیل و کشورهای عربی خاورمیانه و برگزاری کنفرانس صلح مادرید)، بر روی هم باعث گردید تا سیاستمداران هندی اقتصاد آزاد را در الویت قرار دهند. در این راستا بود که بعد از گذشت چهار دهه سرانجام دولتمردان هند اقدام به برقراری روابط دیپلماتیکی کامل با اسرائیل (۱۹۹۲) کردند تا درهای اقتصادی دو کشور را بر روی یکدیگر بگشایند. البته منافع ملی هند در داشتن یک اقتصاد آزاد ایجاب می کرد همزمان با نگه داشتن روابط اقتصادی با کشورهای عربی و غیرعربی خاورمیانه، تبادلات اقتصادی-تجاری خود را با اسرائیل گسترش دهد. در این شرایط فرصتی پدید آمد تا آن دسته از شرکت های بزرگ اسرائیلی و هندی که توانسته بودند با بهره گیری از فرصت ها، فرایند تولیدات خود را بین المللی کرده و بخشی از تولیدات خود را برای تسهیل منافع بیشتر به یکدیگر صادر کنند.

تا قبل شناسایی کامل اسرائیل از طرف هند روابط تجاری دو کشور فقط ۱۲۹ میلیون دلار بود. گسترش روابط باعث گردید تا شرکت های تجاری دو طرف مبادلات خود را سهل تر و گسترده تر انجام دهند، بطوریکه حجم مبادلات تجاری بین دو طرف بعد از پنج سال به ۴۳۰ میلیون و در سال ۲۰۰۵ به ۲٫۲ بلیون دلار رسید. در سال ۲۰۰۹ حجم مبادلات تجاری کشور به ۳٫۵۴ بلیون دلار و در پایان سال ۲۰۱۱ به بیش از ۷ بلیون دلار و در سال ۲۰۱۲ اسرائیل در مقام سومین شریک تجاری هند در آسیا قرار گرفت. (Feile, 2012: 25) علت رشد سریع تجارت بین دو کشور را می توان در منافع ملی دو کشور در قبول سیستم تجارت آزاد دانست. روابط تجاری بین دو کشور بیشتر در بخش کالاهایی مانند سنگهای قیمتی تراش داده شده، محصولات صنعتی، کشاورزی، تجهیزات پزشکی و فرآورده های شیمیایی صورت گرفته است. برخی از بررسی ها نشان می دهد که تنها با گذشت یک دهه از آغاز روابط دیپلماتیکی کامل بین دو کشور هند و اسرائیل حجم مبادلات تجاری آنها از مرز یک میلیارد دلار گذشت و این مقدار و حجم در یک دوره کوتاه مدت، حکایت از وجود پتانسیل های فراوان موجود بین دو کشور دارد. (Primor, 2013: 2) با درک چنین پتانسیل هایی، گروه های تجاری دو طرف خواهان

بهره گیری از آنها در جهت افزایش حجم مبادلات تجاری برآمدند. توافق در یک پروژه مشترک در سال ۲۰۰۸ بین دو شرکت بزرگ هندی و اسرائیلی برای ساخت فضاهای تجاری و مسکونی با ۹۳۰۰۰۰ متر مربع با یک میلیارد دلار سرمایه گذاری و یا انعقاد توافق تجاری بین دو طرف در سال ۲۰۱۰ که امکان دسترسی کارخانجات صنعتی هند به تکنولوژی پیشرفته اسرائیلی در قبال دسترسی تجار اسرائیلی به بازار داخلی هند، نمونه‌هایی از پتانسیل های تجاری موجود بین دو کشور را آشکار می سازد. در دیدار وزیر تجارت هند، جی ویتیرادیتیا سیندیا، از اسرائیل در فوریه ۲۰۱۰ یک توافقنامه تجاری بین دو طرف به امضاء رسید که بر طبق آن تجارت بین دو کشور تا سال ۲۰۱۵ می بایستی از مرز ۱۲ بیلیون دلار عبور کند. در این توافقنامه دو دولت تاکید بیشتر بر بخش تکنولوژی، کامپیوتر، علوم، ارتباطات، دارو، تجهیزات امنیتی و بیو تکنولوژی و کشاورزی داشتند. (Wikipedia, 2013)

بیشترین نیروی انسانی هند در بخش کشاورزی (حدود ۶۰٪) فعال است و این بخش با کمبود منابع آبی و اغلب با خشکسالی همراه می باشد. در نتیجه این بخش اقتصادی کشور هند در مقایسه با دیگر بخش های اقتصادی عقب تر و با توجه به افزایش جمعیت هند، توسعه کشاورزی از اساسی ترین و مهمترین برنامه هر دولتی در هند محسوب می شود. تکنولوژی بالا و تجربه با ارزش اسرائیل در بخش کشاورزی که در نزد بسیاری از اقتصاددانان متخصص در امر کشاورزی کاملاً روشن بوده و این مهم نیز از دید دولتمردان هند پوشیده نمی باشد. نگرانی ها از کمبود منابع غذایی هند میتوانست تا حدودی از طریق گسترش روابط بین دو کشور هند و اسرائیل و بهره گیری از کمک های مناسب اسرائیل در بخش کشاورزی هند کاهش یابد. در سال ۱۹۸۸ اسرائیل توافق نمودند تا در بخش تحقیقات و توسعه کشاورزی یک پروژه با هزینه دو میلیون دلار جهت بکار گیری تکنیک های پیشرفته مختلف در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی هند سرمایه گذاری نماید. در سال ۲۰۰۸ یک تفاهم نامه در بخش کشاورزی برای تاسیس شش مرکز بسته بندی با بکار گیری تکنیک های پیشرفته برای تولیدات سبزیجات و میوه ها در دو ایالات هریانا^۱ و ماهاراشترا^۲ هند و همچنین یک پروژه جهت

^۱ - Haryana

^۲ - Maharashtra

استفاده از آبهای نمکدار و آبیاری قطره‌ای در ایالات گجرات^۱ و راجستان^۲ بین هند و اسرائیل به امضاء رسید. (Indembassy, 2012 and Sloman, 2013) دو دولت همچنین توافق نمودند تا یک مرکز تحقیقاتی را در سال ۲۰۱۱ در ایالت کرنال هند برای ارتقاء کیفیت و کمیت سبزیجات تاسیس نمایند و تکنیکها برای افزایش تولید و کاهش هزینه های تولید را به کشاورزان هند آموزش دهند. (Cooperation in Agriculture and Water, 2012)

یک بررسی تولید ناخالص داخلی (GDP) هند به روشنی نشان می‌دهد که هند با تصمیم به آزادسازی اقتصاد و گسترش روابط اقتصادی با دیگر کشورها از جمله اسرائیل، توانسته است GDP خود را از ۳۱۴,۴۶۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۱,۷۴۰ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ برساند. ارزش مبادلات تجاری هند در سال ۹۱ - ۱۹۹۰ ۱۶٪ از GDP را تشکیل میداد که بعد از سیاست آزاد سازی اقتصاد هند در سال ۱۰ - ۲۰۰۸ به ۴۷٪ افزایش یافت. (Wikipedia, 2012) آمارها نشان می‌دهد که تعاملات هند با اسرائیل در بخش های وسیع اقتصادی از جمله کشاورزی، مهندسی فناوری و اطلاعات و ارتباطات و ماهواره ای به همراه صنعت در بالا رفتن تولید ناخالص داخلی هند بسیار تاثیر گذار بودند.

ح. جایگاه مبارزه با تروریسم در روابط هند و اسرائیل

واژه ترور از ریشه لاتین ترس^۳ به معنی ترساندن و ترس و وحشت است. این واژه (تروریسم) معادل نظام وحشت و ترور می‌باشد. در دانشنامه بریتانیکا تروریسم به معنی کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومتها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است. در سال ۱۹۹۰ وزارت دفاع آمریکا تروریسم را این گونه تعریف نمود: «کاربرد غیر قانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد.» (دردریان، ۱۳۸۴: ۲۲) از

¹ - Gujarat

² - Rajasthan

³ - Tars

آنجایی که تروریسم سمت و سوی مشخصی ندارد و هیچ حد و مرزی را هم نمی‌شناسد و باعث خسارات جانی و مالی می‌گردد، پس هدفش ایجاد ترس و هرج و مرج است. تروریسم انواع گوناگونی دارد که می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود؛ تروریسم جنایی، تروریسم دولتی، تروریسم ایدئولوژیک، تروریسم انقلابی، تروریسم اقتصادی، تروریسم ملت‌گرا و غیره که هر کدام از سلاح‌های مختلف از اسلحه عادی و تسلیحات شیمیایی گرفته تا رایانه را بکار می‌گیرند. سازمان بین‌الملل در در دسامبر سال ۱۹۹۴ جامع‌ترین سند مبارزه با تروریسم را به اتفاق آرا تصویب نمود. این سند راه را برای همکاری بیشتر دولت‌ها جهت مبارزه با تروریسم هموارتر کرد.

از آغاز استقلال کشور هند تا به امروز این کشور مورد حملات گروه‌های تروریستی گرفته است. حملات تروریستی برای جدا نمودن ایالات‌های جامو و کشمیر، پنجاب و آسام برای سالها در جریان بوده و حتی امروزه در برخی مناطق کماکان البته بصورت ضعیف ادامه دارد. ترور رهبر فقید هند خانم ایندرا گاندی در سال ۱۹۸۱، رجبو گاندی (نخست‌وزیر هند ۱۹۸۸)، حمله به پارلمان هند در دهلی نو در ۱۳ دسامبر سال ۲۰۰۱ که دولت هند آنرا به دو گروه تروریستی لشکر طیبه و جیش محمد از پاکستان نسبت داد و یا حمله به مراکز تجاری و بازرگانی شهر مامبئی (بمبئی) و کشته شدن دهها نفر توسط یک گروه تند روی مسلمان پاکستانی در سال ۲۰۰۸، برخی از اقدامات مهم تروریستی علیه هند می‌باشند که دولتمردان هند را به تفکر بیشتر برای مبارزه با این گونه اقدامات تروریستی وا داشت.

برای کاستن یا از بین بردن اعمال تروریستی، دولتمردان هند لازم دیدند تا با کشورهایی که در مبارزات ضد تروریستی از قدرت و تجربه زیادی برخوردار هستند، همکاری و تجربه‌های لازم را کسب نماید و از طریق همکاری‌های اطلاعاتی با آنها بتواند انواع عملیات تروریستی بر ضد هند را خنثی و یا به حداقل برساند. اسرائیل از بدو تاسیس، به دلیل عدم قبول و پذیرش کشورهای عرب و غیر عرب مسلمان ناحیه خاورمیانه، بر این باور است که همیشه مورد تهدید تروریستی قرار دارد و بدین منظور تشکیلات و سازمانهای پیشرفته ضد تروریستی متعددی را به‌وجود آورده که موساد مهمترین آنها بشمار می‌رود. در طول نیم قرن از تاسیس اسرائیل، سازمان‌های ضد تروریستی اسرائیل دارای تجربیات زیادی در این زمینه شده‌اند. این سازمان‌های ضد جاسوسی دارای پیشرفته‌ترین تجهیزات ضد تروریستی هستند. همکاری موساد با نهادهای ضد تروریستی برخی از کشورها توانسته اهمیت همکاری با این

سازمان را نزد دولتمردان هند بسیار بالا برد. با گسترش روابط دیپلماتیک بین هند و اسرائیل امکان همکاری بیشتری بین سازمانهای ضد تروریستی دو کشور به وجود آمد. اسرائیل توانست در بخش آموزش ضد عملیات تروریستی تعدادی از افراد دستگاه ضد تروریست هند را آموزش دهد و تجهیزات پیشرفته ای که برای این منظور بکار گرفته می شود را در اختیار هند قرار داد. همکاریهای دو کشور در بخشهای تبادلات اطلاعات در مورد گروههای تروریستی، منابع مالی، جذب و بکارگیری افراد، نوع و نحوه تعلیم و انجام عملیات آنها به سرعت گسترش یافت. فروش تجهیزات پیشرفته جاسوسی اسرائیل به هند مانند سیستمهای متحرک هشدار دهنده در مرزها و تجهیزات کنترل نفوذ گروههای تروریستی در منطقه مرزی کشمیر (خط کنترل) و همچنین پهبادهای بدون سرنشین که قادرند حتی از ارتفاعات بسیار بالا اطلاعات لازم در خصوص تحرک نظامی کشورهای همسایه را ارسال نمایند، همگی در تقویت سازمانهای ضد تروریستی هند موثر بودند. در ژانویه ۲۰۰۸ هند با موفقیت توانست ماهواره جاسوسی اسرائیل بنام تکسار^۱ را به فضا پرتاب و در مدار قرار دهد. در ۱۷ آوریل سال ۲۰۰۹ یک ماهواره جاسوسی دیگر اسرائیل بنام ریست^۲ با کمک موسسه تحقیقات فضایی هند به فضا پرتاب شد و موقعیت اسرائیل را برای نظارت بر تحرکات چین، پاکستان و ایران و ارسال اطلاعات به دولت اسرائیل بهبود بخشید. (Adagale, 2012) دولت های دو کشور هند و اسرائیل در سال ۲۰۱۲ برای گسترش همکاریهای خود در بخش ضد تروریسم موافقت نمودند یک کمیسیون مشترک ضد تروریسم بین دو کشور تشکیل گردد. (Hindustan times, 2012)

از آغاز همکاریهای هند با اسرائیل در بخش ضد تروریسم، موفقیت های سازمان های ضد تروریستی هند در برابر گروههای تروریستی بطور چشمگیری افزایش یافته است. نهاد های ضد تروریستی هند توانسته اند تعداد زیادی از عملیات تروریستی در داخل خاک هند را کشف و یا خنثی سازند و اکثر گروه های تروریستی ضد هند را تضعیف نماید. اسرائیل نیز با کمک بخش فضایی هند توانسته ماهواره جاسوسی خود را به فضا پرتاب نماید تا با نزدیک شدن به مرزهای ایران دقیق تر از مسائل هسته ای و نظامی ایران اطلاعات کسب نماید.

¹ - TecSar

² - Risat 2

نتیجه‌گیری

به‌وجود آمدن یک اتحاد استراتژیکی مستلزم یک سری دیدگاههای مشترک از سیاست جهانی و چشم اندازه صحنه جهانی است که بر اساس آن یک تعهد طولانی مدت از همکاریها را بین طرفین به‌وجود می‌آورد. دو کشور هند و اسرائیل هیچگاه دارای دشمن مشترک که از یک یا چند کشور مورد تهدید قرار گرفته باشند، را ندارند و بنابراین نمی‌تواند ادعای داشتن یک اتحاد استراتژیکی در مقابل آنها داشته باشند. کشور اسرائیل از بدو تاسیس تاکنون در محاصره همسایگان کشورهای عربی و انزوای کشورهای مسلمان ناحیه خاورمیانه قرار گرفته است. بدین جهت از اوایل دهه پنجاه میلادی قرن بیستم یکی از مولفه های اصلی سیاست خارجی اسرائیل طرح پیرامونی اعلام گشت. بر این اساس است که همواره این کشور بدنبال متحدین استراتژیکی و غیر استراتژیکی در خارج از منطقه خاورمیانه است. فروپاشی شوروی در اوایل دهه نود میلادی تغییرات مهمی در تحولات جهانی و تاثیرات شگرف و عمیقی در روابط بین‌الملل بر جای گذاشت. کشور هند متاثر از این رویداد، یک چرخش بزرگ را در سیاست خارجی خود نسبت به اسرائیل به‌وجود آورد. این چرخش باعث گردید تا شرایط همکاری زیادی بین هند و اسرائیل در زمینه های اقتصادی، تکنولوژی، نظامی، امنیتی و مبارزه با تروریسم را فراهم آید. اگر چه این نوع همکاریها، دو کشور هند و اسرائیل را به یکدیگر نزدیک نموده ولی این همکاریها به معنای به‌وجود آمدن یک اتحاد استراتژیک بین دو کشور محسوب نمی‌گردد. می‌توان اظهار داشت که نیازهای دو کشور باعث نزدیکی و گسترش روابط هند و اسرائیل شده ولی این نیازها دائمی و پایدار نبوده و در شرایط متفاوت می‌توانند تغییر کنند. اهداف اسرائیل از گسترش روابط با هند بیشتر کسب منافع اقتصادی، تعدیل موضع هند در قبال مناقشه اعراب و اسرائیل و همچنین نزدیکی به مرزهای کشور اسلامی پاکستان و ایران برای نظارت بیشتر بر مسائل هسته ای و تحرکات نظامی در ناحیه خاورمیانه و ایجاد یک طرح پیرامونی می‌باشد.

کشور هند با داشتن میلیون‌ها نفر کارگر ماهر و غیر ماهر در کشورهای خاورمیانه که درآمد ارزی قابل توجه ای برای این کشور ایجاد می‌کنند و واردات بیش از ۷۰٪ نفت مورد نیاز خود از کشورهای مسلمان خاورمیانه و همچنین داشتن روابط گسترده تجاری و اقتصادی با این کشورها، طرح یک اتحاد استراتژیک بین خود و اسرائیل را در سیاست خارجی خود نپذیرفته است. هند داشتن روابط گسترده با

گسترش روابط هند و اسرائیل: طرح پیرامونی یا استراتژی اتحاد ◇

اسرائیل را در جهت کسب منافع بیشتر (اقتصادی، نظامی، امنیتی، مبارزه با تروریسم، کاهش تهدید قدرتهای هسته‌ای همسایگان خود، پاکستان و چین، و همچنین نزدیکی بیشتر با آمریکا) می‌داند.

منابع فارسی

- آرت، اریک (۱۳۷۹)، *ظرفیت نظامی و خطر بروز جنگ: چین، هند، پاکستان و ایران*، مترجمان سید شمس‌الدین میرابوطالبی، محمد خوشقدم‌نیا و پرویز قاسمی، تهران: دوره عالی جنگ.
- احمدی، حمید (۱۳۶۹) *ریشه های بحران در خاورمیانه*، تهران: مؤسسه کیهان.
- وامی، پی.آر. کوماراس (۱۳۹۱) «همکاری راهبردی بین اسرائیل و هند»، ترجمه ریحانه بنی اسدی و نگار نباتیان، در: <http://www.raha.co.ir>
- تقی پور، محمد (۱۳۸۳) *استراتژی پیرامونی اسرائیل*، مؤسسه اطلاعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۷)، *روابط هندوستان و اسرائیل: نگاهی بر جنبه های راهبردی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۵ آبان.
- رضوی، مهدی (۱۳۷۹)، *نیونگ سازی صهیونیسم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دردریان، جیمز، (۱۳۸۴)، *تروریسم (تاریخ، جامعه شناسی، گفتنمان، حقوق)*، ترجمه وحید بزرگی: وحید، گردآورنده: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، *منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا - اسرائیل*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ساجدی، امیر (۱۳۸۴)، «تحولات اعراب و اسرائیل و نیاز منطقه به صلح»، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی: ویژه‌نامه حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۳۷، تابستان.
- ساجدی، امیر (۱۳۸۴)، «مساله کشمیر»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲، زمستان.
- ساجدی، امیر (۱۳۸۸)، «آینده روابط ایران و آمریکا در تامین امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه علوم سیاسی*، دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، سال دوم، شماره ۷، پاییز.
- عامری، هوشنگ (۱۳۷۰)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات آگاه.
- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸)، *مثلث آسیایی چین، هند و پاکستان*، تهران: دفتر مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.

گسترش روابط هند و اسرائیل: طرح پیرامونی یا استراتژی اتحاد ◇

- **مروری بر روابط خارجی رژیم صهیونیستی** (۱۳۸۹)، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی-علمی ندا، تهران: انتشارات ندا زیتون.
- ملازهی، پیر محمد (۱۳۹۲)، «مناسبات هند و رژیم صهیونیستی و تاثیر آن بر سیاست هند در قبال ایران»، در: **کتاب آسیا ۸ ویژه روابط ایران و هند**، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ملکوتی، راما و نراسیمها راتو (۱۳۶۸)، **روابط بین‌المللی**، ترجمه علی صلح جو، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- مؤسسه الارض ویژه مطالعات فلسطینی (۱۳۶۳)، **استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن**، تهران: انتشارات بین‌الملل اسلامی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۲)، **اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز**، تهران: قومس.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۸)، **استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی**، تهران: نشر نی.

English Source

- Adagale, Praful (2012), "India and Israel Strategic Partnership: Challenges and Opportunities-Analysis", 28 May, at: <http://www.eurasiareview.com>
- Feile, GIL (2012), "India's Economic Relations with Israel and the Arabs", In *The Begin-Sadat Center for Strategic Studies*, Bar-Ilan University: Ramat Gan, Israel, July.
- "India, Israel Agree to Firm up Anti-Terror Plan", (2012), *Hindustan Times*, 10 January, at: <http://www.hindustantimes.com>
- Israel-India Cooperation (2012), "Israel Diplomatic Network", *Embassy of Israel in India*, 19-12, at: <http://www.embassies.gov.il>
- Koshy, Nina (2008), "India and Israel Eye Iran", *Foreign Policy in Focus, Region/Asia & Pacific*, Feb 12, at: <http://www.haaretz.com>

- Neff, Donald (2002), *Fallen Pillars, U.S. Policy towards Palestine and Israel since 1945*, Second Edition, Washington, D.C.: Institute for Palestine Studies.
- Ovendale, Ritchie (1999), *The Origin of The Arab-Israeli Wars*, London: Longman.
- Panda, P., Jagannath (2012), *The 1962 War: Will China Speak about It?*, New Delhi: Institute for Defence Studies and Analyses, 16 October.
- Panda, Snehalata, (2006) "Global Energy and Alliances: Challenges for India", Indian Quarterly, *A journal of International Affairs*, Vol. LXII, No.4, October-December.
- Primor, Adar (2013), "The Potential of Israel's Relationship with India", Haaretz, Telavi, 11 January, No. 295773, at: <http://www.haaretz.com>
- Sajedi, Amir (2006), "Greater Middle East: Opportunity or Challenge", Indian Quarterly, *A journal of International Affairs*, Vol. LXII, No 4, October-December.
- Shaukat, Sajjad (2013), "Indo-Israeli Secret Alliance", 7 January, at: <http://www.pakobserver.net>
- Singh, Avinash (1995), "Israel Offers Hi-Tech Air Defense Deal", *The Hindustan Times*, 8 April, and Flight International, 22 March 1995.
- Sloman, Mark (2013), "Cooperation in Agriculture and Water", *Tip India*, 12 January, at: <http://www.Israel-India.org>
- "The free encyclopedia, India-Israel Relations", at: <http://www.wikipedia.com>